



The University of Tehran Press

Natural Resources Governance

Home Page: <https://jnrg.ut.ac.ir/>

Online ISSN:

Participatory Needs Assessment Analysis Based on the Governance Approach Based on Rural Community-Oriented Management (Case Study: Chahartaq Village of Bakherz City)

Nabiollah Soltani Ghiasvand¹ | Seyed Amir Hossein Garakani² | Sajad Amiri^{3*}
Borhan Rowshan⁴

1. Center for Rural Development Studies, Natural Disasters Research Institute, Tehran, Iran. Email: soltan_nabi@yahoo.com
2. Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: garakani@ndri.ac.ir
3. Correspondin Aurhor, Center for Rural Development Studies, Natural Disasters Research Institute, Tehran, Iran. Email: samiri@ut.ac.ir
4. Center for Rural Development Studies, Natural Disasters Research Institute, Tehran, Iran. Email: borhanrowshan@gmail.com

ARTICLE INFO

Article type:
Research Article

Article History:
Received July 17, 2023
Revised December 19, 2023
Accepted December 30, 2023
Published online 24 March 2024

Keywords:
*Governance,
Local stakeholders,
Bakharz town,
Community based management,
Participatory needs assessment
analysis.*

ABSTRACT

Participatory needs assessment analysis is the process of examining the needs, issues and problems of the people and society considering their cooperation and participation. This approach aims to identify the real needs of the people which improves the quality of life while increases the satisfaction of the society. Meanwhile, the purpose of governance is to provide the rights and needs of the people in the society. Examining governance approaches can improve the process of management and transparency in the villages of Bakharz town located in northeastern Iran. The development plan of rural systems with the social network approach has been a step for formulating the action plan of governance in the villages of the studied region. In this regard, assessing the needs and prioritizing the problems of villagers in the region is one of the most important principles in rural planning. In this research, using qualitative methods, all problems were identified and prioritized from the point of view of local stakeholders. In the next step, the AHP method was used to identify the rural development priorities according to the local stakeholders' opinions. The results showed that completion of the deep dam reservoir, the modification of the cultivation pattern and the dredging of the Qanats for men with the highest priority and covers 33% of the needs of the men's group and 17% of the needs of the women's group, respectively. Communicating with the local communities in the form of collective decision-making is a process that could bring policy making with an emphasis on the local stakeholders which will ensure success of the project.

Cite this article: Soltani Ghiasvand, N.; Hossein Garakani, A.; Amiri, S. & Rowshan, B. (2024). Participatory needs assessment analysis based on the governance approach based on rural community-oriented management (case study: Chahartaq village of Bakherz city). *Natural Resources Governance*. 1 (1), 51-68.



© Nabiollah Soltani Ghiasvand, Seyed Amir Hossein Garakani, Sajad Amiri, Borhan Rowshan.
Publisher: University of Tehran Press.



انتشارات دانشگاه تهران

نشریه حکمرانی منابع طبیعی

سایت نشریه: <https://jnrg.ut.ac.ir/>

شاپا الکترونیکی:

تحلیل نیازسنجی مشارکتی بر اساس رویکرد حکمرانی مبتنی بر مدیریت اجتماع محور روستایی (مورد مطالعه: روستای چهارطاق شهرستان باخرز)

نبی الله سلطانی قیاس‌وند^۱ | سید امیرحسین گرکانی^۲ | سجاد امیری^{۳*} | برهان روشن^۴

۱. مرکز مطالعات توسعه روستایی، پژوهشکده سوانح طبیعی، تهران، ایران. رایانامه: soltan_nabi@yahoo.com
۲. گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی مرکز، تهران، ایران. رایانامه: garakani@ndri.ac.ir
۳. نویسنده مسئول، مرکز مطالعات توسعه روستایی، پژوهشکده سوانح طبیعی، تهران، ایران. رایانامه: samiri@ut.ac.ir
۴. مرکز مطالعات توسعه روستایی، پژوهشکده سوانح طبیعی، تهران، ایران. رایانامه: borhanrowshan@gmail.com

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله:

پژوهشی

تاریخ‌های مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۲۶

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۹/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۰۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۱/۰۵

کلیدواژه:

حکمرانی،

ذی‌نفعان محلی،

شهرستان باخرز،

مدیریت اجتماع محور،

نیازسنجی مشارکتی.

تحلیل نیازسنجی مشارکتی، فرایند بررسی نیازها، مسائل و مشکلات مردم و جامعه با همکاری و مشارکت آنان است. این رویکرد با هدف شناسایی نیازهای واقعی و اصلی مردم می‌تواند کیفیت زندگی را بهبود بخشد و رضایت جامعه را افزایش دهد. هدف حکمرانی، تأمین حقوق و نیازهای مردم جامعه است. بررسی رویکردهای حاکمیتی می‌تواند روند مدیریت و شفافیت را در روستاهای شهرستان باخرز بهبود بخشد. پروژه طرح آبادانی و پیشرفت منظومه‌های روستایی با رویکرد شبکه اجتماعی گامی در راستای تدوین برنامه عمل حکمرانی در روستاهای شهرستان بوده است. در این راستا، نیازسنجی و اولویت‌بندی مشکلات روستاییان از مهم‌ترین اصول در برنامه‌ریزی روستایی است. در این تحقیق با استفاده از روش‌های کیفی شامل بحث گروهی، تمامی مشکلات از دیدگاه ذی‌نفعان محلی شناسایی و اولویت‌بندی شد. در گام بعدی نیز برحسب دیدگاه ذی‌نفعان محلی، برای شناسایی اولویت‌های توسعه روستایی از معیارهای امکانات سلامتی، آموزش و پرورش، امنیت و حمایت از کارآفرینی با استفاده از روش AHP بهره گرفته شد. نتایج نشان داد که به‌ترتیب تکمیل بند ژرف، اصلاح الگوی کشت و لایروبی قنات برای مردان با بیشترین اولویت به‌ترتیب ۳۳ درصد از نیاز گروه مردان و ۱۷ درصد از نیاز گروه زنان را به خود اختصاص داده‌اند. ارتباط با جوامع محلی به‌صورت تصمیم‌گیری جمعی، فرایندی است که می‌تواند تعیین خط‌مشی و سیاست‌گذاری را با تأکید بر جوامع محلی به ارمغان آورد؛ بنابراین، پیشنهاد می‌شود در هر پروژه، بستر مشارکت اجتماعی روستاییان فراهم شود؛ چراکه همدلی روستاییان با پروژه اجرایی، دلسوزی برای به سرانجام رسیدن اهداف پروژه را در بر خواهد داشت و این دلسوزی در مقایسه با احساس مسئولیت، گامی فراتر و محرکی درونی و متضمن اهداف مدیریتی است.

استناد: سلطانی قیاس‌وند، نبی‌الله؛ گرکانی، سید امیرحسین؛ امیری، سجاد و روشن، برهان (۱۴۰۳). تحلیل نیازسنجی مشارکتی بر اساس رویکرد حکمرانی مبتنی بر مدیریت اجتماع محور روستایی (مورد مطالعه: روستای چهارطاق شهرستان باخرز). نشریه حکمرانی منابع طبیعی، ۱ (۱) ۵۱-۶۸.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

© نبی‌الله سلطانی قیاس‌وند، سید امیرحسین گرکانی، سجاد امیری، برهان روشن



۱. مقدمه

افزایش جمعیت در سراسر جهان سبب شده است که منابع طبیعی مانند آب، خاک، جنگل‌ها، مواد معدنی و ... در خطر قرار گیرند؛ زیرا افزایش جمعیت سبب افزایش تقاضا برای منابع طبیعی می‌شود که عامل تهدیدکننده منابع طبیعی در سراسر جهان است (جلیلیان و همکاران، ۲۰۲۲). بر اساس آمار جهانی ۶۸ درصد از گونه‌های حیات وحش جهان در خطر انقراض قرار دارند و حدود ۱۲ میلیون هکتار زمین کشاورزی فرسایش یافته است.

افزایش آگاهی از نظام اجتماعی- اکولوژیک مانند سیستم‌های منابع طبیعی، به‌عنوان متغیر غیرخطی و پیچیده نیاز بیشتر به رویکرد مبتنی بر اکوسیستم، مشارکتی و انعطاف‌پذیر دارد (Pahl-Wostl et al., 2007). به‌دلیل تغییر و تحولات محیطی و به‌تبع آن تغییر در الگوهای کسب‌وکار و ... روستاها نیز با مسائل و مشکلات زیادی مواجه شده‌اند؛ بنابراین همگامی با این تغییرات مستلزم درک و شناخت کامل از وضعیت فعلی جوامع و پتانسیل‌های فعلی آن است (Ben-Menahem, et al., 2012). در گذشته به بعد انسانی در مدیریت منابع طبیعی توجه نمی‌شد و برای حل مسائل پیچیده از رویکرد ساده‌سازی مسائل پیچیده استفاده می‌شد؛ اما پس از موفقیت‌های کوتاه‌مدت، این رویکردها در درازمدت ناپایدار بوده‌اند و تغییر ضرورت یافته است (جلیلیان و همکاران، ۲۰۲۱). در این میان، برنامه‌های توسعه روستایی، جزئی از برنامه‌های توسعه هر کشور محسوب می‌شود که برای دگرگون‌سازی ساخت اجتماعی اقتصادی جامعه روستایی به‌کار می‌رود (قربانی و همکاران، ۲۰۱۹).

دستیابی به توسعه پایدار روستایی و همه‌گیر شدن آن، به شناخت مسائل موجود در ابعاد توسعه پایدار و برقراری تعامل پیش‌برنده و سامان‌ساز میان ابعاد آن و تأکید بر رفاه یکایک اعضای جامعه هدف (نواحی روستایی) وابسته است (Dalal-clayton and Bass, 2007). از طرف دیگر نگرانی‌ها درباره پیامدهای محیط زیستی و اجتماعی فعالیت‌های توسعه‌ای در حال گسترش است (اعظمی و همکاران، ۲۰۱۷). یکی از مهم‌ترین چالش‌های جوامع، بررسی نکردن پیامدهای احتمالی اجرای طرح‌ها و پروژه‌ها در راستای توسعه است (قربانی و همکاران، ۲۰۱۳). در مدیریت پایدار جوامع محلی، ابعاد اجتماعی و اکولوژیکی روستا به همدیگر وابسته‌اند و باید در قالب نظامی واحد بررسی شوند. وجود منابع و سرمایه‌های مختلف اعم از سرمایه‌های طبیعی و انسانی در منابع طبیعی، مدیریت یکپارچه اکوسیستم با هدف پایداری را ضرورت می‌بخشد (رحیمی و همکاران، ۲۰۲۳؛ سعیدی و همکاران، ۲۰۱۷).

بهره‌گیری از سرمایه اجتماعی از روش‌های کاربردی و مناسب برای دستیابی به توسعه پایدار روستایی، است (قربانی و همکاران، ۲۰۱۵)؛ بنابراین مسائل مطرح‌شده توسط طرفداران محیط زیست را می‌توان با تغییر و بهبود شیوه‌های تولید رفع کرد (جلیلیان و همکاران، ۲۰۲۲). برخی از سازمان‌ها تغییراتی را در قالب شیوه‌های مدیریتی برای رفع این محدودیت‌ها ارائه کرده‌اند که تولیدکنندگان می‌توانند آنها را برای کاهش اثرهای منفی محیط زیستی بپذیرند و بیاموزند (جلیلیان و همکاران، ۲۰۲۲). در این زمینه سازمان‌های مدیریت محیط زیستی در برخی از کشورها قوانین و مقرراتی را وضع کرده‌اند که می‌تواند مانع تخریب محیط زیست شود (Boyd et al., 2017).

از طرفی شایان ذکر است که انسان در مقام یکی از اصلی‌ترین عوامل مؤثر، اثر مهم و تعیین‌کننده‌ای در پایداری دارد (یعقوبی فرانی و همکاران، ۲۰۱۵). به‌طوری که رابطه انسان با اکوسیستم طبیعی، باید در رأس سیاستگذاری‌ها و مدیریت جامع آنها قرار گیرد (Kim et al., 2010; Lienert et al., 2013). شرط لازم برای مدیریت موفق، تغییر رویکرد به سمت مدیریت مشارکتی است (جلیلیان و همکاران، ۲۰۲۲). از این‌رو، مدیریت اصولی و پایدار منابع طبیعی به‌منزله یکی از ارزشمندترین منابع طبیعی، مشارکت ذی‌نفعان به‌عنوان بهره‌برداران محلی از این منابع است (Abelshausen et al., 2014; Delgado et al., 2014).

در مدیریت مناسب عرصه‌های طبیعی باید مدیریت مشارکتی^۱ و رویکرد حکمرانی^۲ را در پیش گرفت (جلیلیان و همکاران، ۲۰۲۲). مدیریت مشارکتی در مدیریت منابع طبیعی به‌معنای همکاری و مشارکت جامعه و نهادهای دیگر در تصمیم‌گیری،

برنامه‌ریزی و اجرای سیاست‌های مدیریت منابع طبیعی است. با اینکه جامعه در فرایند تصمیم‌گیری شرکت می‌کند، احتمال اجرای بهتر سیاست‌های مدیریت منابع طبیعی افزایش می‌یابد. همچنین با افزایش مشارکت جامعه و دیگر نهادها در روش‌های بهینه مدیریت منابع طبیعی، احتمال اجرای صحیح و بهینه‌تر سیاست‌های مدیریت منابع طبیعی افزایش می‌یابد. از طرف دیگر با استفاده از فناوری‌های جدید و نوآورانه در مدیریت منابع طبیعی، احتمال کاهش تلفات و آلودگی محیط زیستی افزایش می‌یابد (اسدالهی و همکاران، ۲۰۲۲). رویکرد حکمرانی در مدیریت منابع طبیعی از اهمیت زیادی برخوردار است، چراکه حکمرانی در مدیریت منابع طبیعی با قانونگذاری، نظارت و اجرایی قوانین، توسعه فناوری‌های پایدار و آموزش و پرورش همراه است که به حفظ منابع طبیعی و پایداری محیط زیست می‌انجامد و به تأمین نیازهای اساسی جامعه برای سال‌های آینده نیز کمک می‌کند. بدین منظور می‌توان از رویکردهایی همانند روش تحلیل AHP برای نیازسنجی جامعه محلی برای دستیابی به مدیریت و حکمرانی مشارکتی بهره گرفت.

با شرایط طبیعی و اجتماعی حاکم بر جامعه روستایی و به‌ویژه شرایط خشکسالی سال‌های نزدیک، بررسی وضعیت حکمرانی، به‌ویژه حکمرانی شبکه‌ای، یعنی حد مشارکت جامعه محلی و کنشگران دولتی و غیردولتی نیازمند رویکرد و رویه‌ای تازه و نوآور برای اندازه‌گیری مشارکت و تعیین وضعیت حکمرانی در منطقه است (رحیمی و همکاران، ۲۰۲۲). سرمایه اجتماعی یکی از ارکان اساسی در توانمندسازی اجتماعی جوامع محلی و از مفاهیم مهم جامعه‌شناختی در مدیریت مشارکتی سرزمین محسوب می‌شود (Putnam, 2001) و به‌منزله عامل مهمی در فرایند رویکرد مدیریت اجتماع‌محور روستایی به‌کار می‌رود. نکته مهم در رویکرد اجتماع‌محور، تأکید بر سرمایه اجتماعی و ابعاد اعتماد و مشارکت در بین ذی‌نفعان محلی به‌عنوان بازوی اصلی مدیریت اجتماع‌محور یا مشارکت روستایی است (قربانی و همکاران، ۲۰۱۹).

هدف مدیریت مشارکتی همکاری تمام ذی‌نفعان منابع طبیعی است (Hanneman, 2001; Cárcamo et al., 2014). از این‌رو در مدیریت پایدار روستایی، ابعاد اجتماعی و اکولوژیکی به یکدیگر وابسته‌اند و باید در قالب یک نظام اجتماعی اکولوژیکی بررسی شوند. امروزه محققان بر این عقیده‌اند که پایداری حاصل تجارب، اهداف، دانش، تصمیم‌گیری و سازماندهی مشترک انسان‌هاست (شمس و همکاران، ۲۰۱۵). از این‌رو در مدیریت منابع طبیعی، به فعالیت‌های جمعی چند دست‌اندرکار مختلف یا به‌نوعی دیگر مشارکت ذی‌نفعان مختلف نیاز است. بر این اساس، بهترین شکل همکاری که نیازمند بیشترین تعامل پایدار جامعه و سازمان‌های متولی است می‌تواند مدیریت اجتماع‌محور باشد (قربانی و همکاران، ۲۰۱۷).

مدیریت جمعی در نظام جمعی مدیریت اجتماع‌محور تا حد زیادی توسط میزان مسئولیت شراکتی در میان مسئولان سازمان‌های دولتی و ذی‌نفعان در جامعه تشخیص داده می‌شود. این نظام مدیریتی فراتر از حضور دولت در تصمیم‌گیری بوده و بیانگر اهمیت مالکیت اجتماع محلی و درگیر شدن آنها در مدیریت منابع است (قربانی و همکاران، ۲۰۱۹؛ Carlsson et al., 2008).

در راستای موفقیت مدیریت جمعی که در این پژوهش در قالب حکمرانی بررسی شد. سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران نیازمند تسهیم قدرت و مبادله دانش خود برای تصمیم‌گیری مدیریتی بر اساس رویکرد حکمرانی مشارکتی‌اند. در پژوهش‌های متعددی بحث مدیریت و برنامه‌ریزی منابع طبیعی بررسی شده است. پژوهش حاضر نیز از جمله تحقیقات کاربردی در زمینه نیازسنجی مشارکتی و شناسایی چالش‌های اجتماع‌محور است که درباره کاربرد AHP در تصمیم‌کنشگران در فرایند حکمرانی مشارکتی سرزمین و شناخت چالش‌های آن بحث کرده است.

امروزه تنوع فضایی روستاهای کشور سبب بهره‌وری‌های اقتصادی متنوع در روستاها شده است؛ به‌گونه‌ای که در بعضی نواحی روستایی کشور فعالیت‌های اقتصادی در سطوح گوناگون و با ویژگی‌های خاص شکل گرفته است (یزدان‌پناه، ۲۰۱۸). صاحب‌نظران بر این باورند که توسعه روستایی می‌تواند با رسیدن به تنوع‌بخشی بهینه‌ای از فعالیت‌های اقتصادی در جوامع روستایی افزایش یابد؛ بنابراین تعادل میان تنوع‌بخشی و تخصصی‌سازی، راه حل مشکلات توسعه روستایی است (Sandstorm and Rova, 2010).

در رویکرد مدیریت اجتماع‌محور، جوامع محلی جوامعی در نظر گرفته می‌شوند که توانایی عمل و مشارکت دارند، نه جوامعی ناتوان که باید به آنها کمک کرد. از این‌رو این رویکرد، از همکاری اجتماعی و مشارکت محلی در فرایند مدیریت سرزمین

استقبال می‌کند (قربانی و همکاران، ۲۰۱۷). شبکه‌های اجتماع‌محور می‌توانند فرایندهای حکمرانی و مدیریت مشارکتی و جمعی را با تسهیل تولید، اخذ و اشاعه دانش و اطلاعات درباره سیستم تحت مطالعه، بسیج منابع و تخصیص آن و تعهد به قوانین عمومی و عرفی برای تشویق در مشارکت در برنامه‌ها و حل اختلافات بهبود دهند (Bodin and Crona, 2009). در تغییر و تکامل دیدگاه مدیریت سرزمین، نگاه دولت‌گرا و تمرکزگرا که سعی دارد از بالا به پایین راهبردها را تدوین و پیاده کند، جای خود را به نگاه اجتماع‌محور و متکی بر جلب مشارکت‌های مردمی و اجتماعی داده است (Bodin and Prell, 2011). رویکرد اجتماع‌محور، رویکرد پیشگیری است که در آن به تأثیر عوامل محیطی و اجتماعی در ارتقای کیفیت زندگی و رفاه اجتماعی مردم توجه می‌شود. (قربانی و همکاران، ۲۰۱۵). مدیریت اجتماع‌محور رویکردی مبتنی بر توسعه است که هدف آن در بلندمدت ارتقای فرایند توسعه است.

بر اساس دیدگاه لوئیس و وندن بن^۱ (۲۰۰۴)، بررسی شبکه‌ها همچون ابزارها و رویه‌های موجود می‌تواند بازخوردی انتقادی برای مجموعه کنشگران وابسته به هم درباره الگوهای ارتباطی و مداخلات سازنده ارائه دهد و موجب یادگیری و تغییر بین سازمان‌ها شود. از سوی دیگر تحلیل شبکه به درک موقعیت و شرایط چندکنشگری و تسریع فرایندهای مدیریت مشارکتی و ارتباطات و نوآوری کمک می‌کند. موسوی (۲۰۱۷)، استین^۲ و همکاران (۲۰۱۱) و استروم و اچ کورنل^۳ (۲۰۱۸) نشان دادند که برای رفتن به سوی بهبود مدیریت مشارکتی به همراه جوامع محلی، شناسایی کنشگران کلیدی جامعه محلی و تحلیل رابطه‌های هر کنشگر ضروری به نظر می‌رسد.

در این راستا، Erickson و همکاران (۲۰۱۰) در پژوهش خود به بررسی ارتباط بین شبکه‌های اطلاعاتی در زمینه مدیریت آب‌های زیرزمینی مشترک در ارتفاعات حوضه رودخانه ورد در آریزونا مرکزی پرداختند. نتایج تحقیق آنان نشان داد که مانع موجود در مدیریت مشارکتی منابع آب، بی‌توجهی به ذی‌نفعان و نیز در نظر نگرفتن تفاوت‌های فرهنگی و سیاسی میان ذی‌نفعان حوضه یادشده است؛ بنابراین آنان بر کاربرد تحلیل شبکه و تحلیل روابط ذی‌نفعان در بهبود مدیریت مشارکتی و در نهایت مدیریت موفق منابع آب در حوضه آبخیز تأکید کردند.

در پژوهش دیگری شبکه مدیریت جمعی در دو منطقه حفاظت‌شده ماهیگیری در کشور سوئد بررسی شد. در این پژوهش محققان، به این نتیجه دست یافتند که فرایند مدیریت جمعی در شبکه‌های ناهمگون که مجموعه‌ای از ذی‌نفعان هستند، اتفاق می‌افتد و موفقیت مدیریت جمعی به ماهیت سازمان‌های شبکه بستگی دارد (Sandstorm and Rova, 2010).

رضایی و همکاران (۲۰۱۵)، در تحقیقی با هدف تحلیل شبکه تبادل اطلاعات در بین سازمان‌های فعال در مدیریت پایدار منابع طبیعی در حوضه سد البرز در استان مازندران بر مبنای رویکرد تحلیل شبکه اجتماعی، به این نتیجه دست یافتند که دسترسی و اشتراک اطلاعات در بین سازمان‌های مورد مطالعه به آسانی صورت نمی‌گیرد و سطح ارتباطی متوسطی میان سازمان‌ها وجود دارد. در شبکه اطلاعاتی این سازمان‌ها، سازمان جهاد کشاورزی از قدرت متوسطی در شبکه برخوردار است. دانشگاه، سازمان جهاد کشاورزی و مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی نقش مهمی در تسهیل و تسهیم اشتراک اطلاعات با سازمان‌های دیگر دارند. بر اساس نتایج تحقیق سازمان‌های غیردولتی نقش منفعلی در تبادل اطلاعات در این شبکه دارند و در فرایند انتقال اطلاعات به دیگر سازمان‌ها پویا نیستند.

قربانی و همکاران (۲۰۱۹)، به تحلیل ساختاری شبکه متصدیان نهادی در سیاستگذاری استانی در مدیریت مشارکتی منابع طبیعی پرداختند. نتایج نشان داد که میزان انسجام نهادی بر اساس شاخص تراکم (۴۷ درصد) در حد متوسط است و میزان پایداری شبکه نهادی در سیاستگذاری استانی بر اساس شاخص‌های دوسویگی (۴۳ درصد) و میزان تبادل‌یافتگی (۲۹ درصد) در حد متوسط رو به ضعیف است.

شاهنده و همکاران (۲۰۱۱) دریافتند که نیازسنجی مشارکتی و برنامه‌ریزی مبتنی بر نیاز، می‌تواند اقدامی مؤثر در رفع نیازها و تغییر رویکرد مسئولان در این زمینه در بلندمدت باشد.

¹ Vanden Ban and Leeuwis

² Stein

³ Ahlström & H, Cornell

حلاجیان و همکاران (۲۰۱۲) عوامل مؤثر بر توانمندسازی افراد را بررسی کردند. نتایج نشان داد که استفاده از روش AHP، ابزاری مناسب در بررسی نیازسنجی مشارکتی محسوب می‌شود. روش AHP یا تحلیل سلسله‌مراتبی، به منظور بررسی ظرفیت مشارکت‌پذیری ساکنان شهری، میزان مشارکت را در بافت‌های قدیم شهری بیشتر از بافت‌های جدید تخمین می‌زند. توسعه پایدار و برنامه‌ریزی در واحدهای کوچک به روش تحلیل سلسله‌مراتبی نشان می‌دهد که کدام واحد در مقایسه با واحدهای دیگر از منظر محیط زیستی پایداری بیشتری دارد (ازجا شکوهی و حسینی، ۲۰۱۷).

نتایج پژوهش شیخی و همکاران (۲۰۲۲) بیانگر آن است که دفترهای تسهیلگری و توسعه محلی با رویکرد اجتماع‌محور و مشارکت جامعه محلی با هدف ارتقای وضعیت اجتماعی، فرهنگی، مالی، محیطی و مسکن خانوارهای ساکن در محلات فرودست شهری تأسیس می‌شوند و زیر نظر سازمان اجتماعی کشور فعالیت خود را مطابق شرح خدمات انجام می‌دهند.

نتایج یافته‌های خشتابه و همکاران (۲۰۱۸)، نشان می‌دهد که مهیا کردن بستر توسعه اعتماد و همکاری روستاییان به گونه‌ای که افراد خود را دارنده نقشی مهم در جامعه تصور کنند، سبب می‌شود پروژه‌هایی که به همکاری روستاییان نیاز دارد، در زمان کوتاه‌تر و با هزینه کمتر اتفاق افتد.

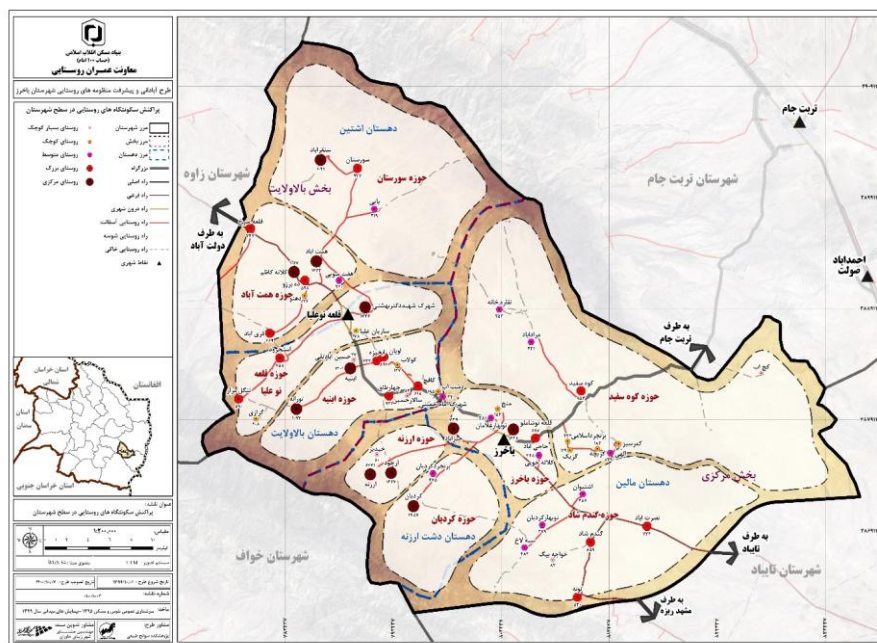
برای تحلیل و ارزیابی نیازسنجی مشارکتی باید بین کارشناسان و جوامع محلی زبان مشترکی وجود داشته باشد. بدین منظور، پرسشنامه‌های AHP طراحی و تدوین می‌شود تا از این طریق جوامع محلی اطلاعات لازم را به اشتراک بگذارند. در پژوهش حاضر به منظور بررسی نیازسنجی مشارکتی، مشکلات مدیریت اجتماع‌محور در راستای برنامه عمل رویکرد حکمرانی پایدار در شهرستان باخرز شناسایی و اجرا شد. از این رو هدف اصلی در این پژوهش تعیین مشکلات مهم در فرایند حکمرانی مدیریت اجتماع‌محور در منطقه پژوهش است. برای دستیابی به این هدف و تعیین مشکلات کلیدی و مهم مشخص شده، مدیران و برنامه‌ریزان توسعه روستایی می‌توانند از راهبردهای مناسب در رفع مشکلات شناسایی شده به منظور توفیق مدیریت اجتماع‌محور در منطقه بهره گیرند و از این طریق پایداری آن را تضمین کنند.

۲. روش‌شناسی

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و در زمره پژوهش‌های توصیفی تحلیلی قرار می‌گیرد. جامعه آماری، روستاییان ذی‌نفع از طرح آبادانی و پیشرفت منظومه روستایی چهارطاق است و نمونه‌گیری به صورت تصادفی ساده صورت گرفت. ابزار پژوهش پرسشنامه خودساخته محقق مبتنی بر روش AHP است.

۲-۱. معرفی منطقه پژوهش

شهرستان باخرز با مساحت ۱۶۹۳ کیلومتر مربع در جنوب شرقی استان خراسان رضوی واقع است و در حدود ۱/۵ درصد از وسعت استان را در بر می‌گیرد. این شهرستان از شمال به شهرستان تربت جام، از جنوب به شهرستان خواف، از شرق به شهرستان تایباد و از غرب به شهرستان‌های زاوه و تربت حیدریه محدود است که از اصلی‌ترین شهرستان‌های استان خراسان رضوی به حساب می‌آیند و در تلاقی‌گاه باخرز با یکدیگر پیوند می‌خورند (شکل ۱). باخرز با ۵۳ نقطه روستایی دارای سکنه در دو بخش بالا ولایت و مرکزی، در رده بیست و سوم شهرستان‌های خراسان رضوی به لحاظ تعداد روستاها قرار دارد. بخش مرکزی به مرکزیت شهر باخرز با دو دهستان مالین و دشت ارزنه دربرگیرنده ۲۸ نقطه روستایی در جنوب شرقی شهرستان و بخش بالا ولایت به مرکزیت شهر قلعه‌نو علیا، با دو دهستان بالا ولایت و اشتین دربرگیرنده ۲۵ نقطه روستایی در شمال غربی شهرستان واقع شده است. باخرز با جمعیت ۴۶۹۸۰ نفر ۰/۷ درصد از جمعیت استان را به خود اختصاص داده است و بیشتر جمعیت آن (۸۴ درصد) را روستاییان تشکیل می‌دهند.



شکل ۱. پراکنش سکونتگاه‌های شهری و روستایی در سطح شهرستان

۲-۲. معرفی طرح آبادانی و پیشرفت منظومه روستایی شهرستان باخرز

طرح آبادانی و پیشرفت منظومه‌های روستایی، به‌منظور توسعه یکپارچه، هماهنگ، فراگیر و پایدار سکونتگاه‌های روستایی از طریق انتظام فضایی در قالب شبکه‌های محلی و ناحیه‌ای و با تأکید بر روابط و پیوندهای روستایی-شهری تدوین شده است. افزون‌بر این، محتوای این برنامه بر ترغیب حکمروایی محلی از طریق مشارکت مردمی و تقویت فعالیت‌ها، روابط و مناسبات کارآمد اجتماعی-اقتصادی واحدهای سکونتگاهی منظومه، هم به لحاظ درونی و بین سکونتگاهی و هم از نظر برونی و بین‌منظومه‌ای تأکید می‌ورزد. این طرح با کارفرمایی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و با مشاوره پژوهشکده سوانح طبیعی از آذرماه سال ۱۳۹۹ در حال اجراست.

۲-۳. روش ارزیابی مشارکتی روستایی

ارزشیابی مشارکتی روستایی، شیوه‌ای است که برای بررسی زندگی و شرایط روستایی به‌منظور جمع‌آوری داده‌ها بر مبنای اطلاعات جامعه و نیازهایشان برای استفاده در برنامه‌های توسعه جامعه و سوادآموزی به‌کار می‌رود. برای پرهیز از کمبودهای فراوان، پیمایش‌های پرسشنامه‌ای ابداع شده است. در نیمه دوم دهه ۱۹۸۰، در ادامه و به‌موازات استفاده از اصطلاح ارزیابی سریع روستایی، واژه مشارکتی نیز در این اصطلاح به‌کار رفت. در ارزیابی مشارکتی روستایی، خود مردم محلی بیش از بیگانگان، به نقشه‌کشی، الگوسازی، ترسیم نمودار، رتبه‌بندی، تعیین امتیاز، مشاهده، مصاحبه، تحلیل و برنامه‌ریزی دست می‌زنند (Chambers, 2003).

نیازسنجی راهی برای جمع‌آوری اطلاعات است که بر اساس آن برای طراحی برنامه توسعه‌ای تصمیم گرفته می‌شود که نیاز جامعه را رفع می‌کند. نیازسنجی با رویکرد مشارکتی و جامعه‌محور و اهمیت مشارکت، خود می‌تواند اطلاعات جامع‌تر و در عین حال دقیق‌تری از وضعیت موجود جامعه و نیازهای آن به‌دست دهد. نیازسنجی، نیازها یا اولویت‌های واقعی، منابع لازم و شیوه‌های تأمین این منابع در دو سطح فردی و سازمانی در شش مرحله انجام می‌گیرد:

۱. درک بافت مدنظر برای نیازسنجی؛ در این بخش روستای چارطاق شهرستان باخرز مدنظر قرار گرفت؛

۲. مطالعه مبانی نظری و رصد الگوهای موفق در حوزه مشابه. در این بخش الگوهای موفق در کشور به روستاییان ارائه شد تا نگرش صحیحی کسب کنند؛

۳. طراحی ابزار نیازسنجی بر اساس مبانی و الگوهای استخراج شده و متناسب سازی آن با زبان و ادبیات بافت مدنظر؛ در این رهیافت به روستاییان روش AHP آموزش داده شد تا بر اساس روش مشخص و علمی، نیازهای خود را شناسایی کنند؛
۴. شناسایی نیازها و اولویتهای واقعی با رویکردی بافتی مشارکتی؛ در این روش نیازها بر اساس خرد جمعی و تجربههای زیستی و بومی منطقه تعیین می شود؛
۵. تعیین اولویتهای آموزشی و پژوهشی و اجرایی برای تأمین منابع لازم، مانند آموزش مشاغل خرد روستایی؛
۶. تعیین روشهای مناسب برای تأمین منابع لازم؛ با استفاده از اولویت بندی سازمانی، از دیدگاه روستاییان برای حل مشکل های ایجاد بستر توسعه رشد روستایی، سازمان ها و اداره های مختلف سطح شهرستان معرفی شد.

۲-۴. فرایند تحلیل سلسله مراتبی AHP^۱

روش تحلیل سلسله مراتبی (AHP) نوعی روش تصمیم گیری چندمعیاره است که در آن ابتدا معیارهای مختلف و اولویت آنها بر اساس نظر خبرگان یا متخصصین تعیین می شود. سپس گزینه های مختلف بر اساس هر یک از معیارها با یکدیگر مقایسه شده و نمره هایی به آنها اختصاص داده می شود. در نتیجه با استفاده از روش AHP می توان به صورت سامانمند و علمی تصمیم گیری کرد. روش AHP نوعی روش تصمیم گیری چندمعیاره است که به صورت سامانمند و علمی در اولویت بندی و انتخاب گزینه های مختلف استفاده می شود. با استفاده از این روش، مقدار نسبی اهمیت هر گزینه در برابر دیگر گزینه ها در نظر گرفته می شود و این اهمیت ها به صورت ضرایبی در محاسبات بعدی استفاده می شوند. این روش می تواند به شما کمک کند تا با توجه به معیارهای مختلف، به صورت علمی و منطقی تصمیم گیری کرده و بهترین گزینه را انتخاب کنید.

در این فرایند شناسایی عناصر و ارتباط بین آنها، ساختار سلسله مراتبی را ایجاد می کند؛ بنابراین ایجاد ساختار سلسله مراتبی از موضوع بررسی شده، نخستین گام در فرایند تحلیل سلسله مراتبی به شمار می رود و هدف ها، معیارها، گزینه ها و نیز ارتباط آنها در همین ساختار نشان داده می شود. مراحل بعد در فرایند تحلیل سلسله مراتبی، شامل محاسبه وزن (اهمیت ضرایب)، معیارها و زیرمعیارها، محاسبه ضریب اهمیت (وزن) گزینه ها، محاسبه نهایی گزینه ها و بررسی سازگاری منطقی قضاوت ها است (Saaty, 1990; 1996). فرایند رتبه بندی و اولویت بندی گزینه ها در روش AHP دربرگیرنده مراحل زیر است:

برای اجرای روش تحلیل سلسله مراتبی در محیط نرم افزار Expert Choice مدل اصلی فرایند تحلیل سلسله مراتبی بر اساس پرسشنامه های تکمیل شده توسط مردم محلی مشارکت کننده در این زمینه طراحی شد. سپس مقایسه های زوجی بین معیارها و گزینه ها بر اساس مقیاس اهمیت، انجام گرفت. در نهایت میزان اهمیت گزینه ها یا رده ها تعیین شد. سپس اهمیت هر یک از معیارهای مؤثر در بهبود مشکلات منطقه به دست آمد و اهمیت هر مورد شناسایی شده در پنج کلاس بسیار مناسب تا بسیار نامناسب طبقه بندی شد.

جدول ۱. جدول نه سطحی مقایسه دوه دویی شاخص ها (Saaty, 1990)

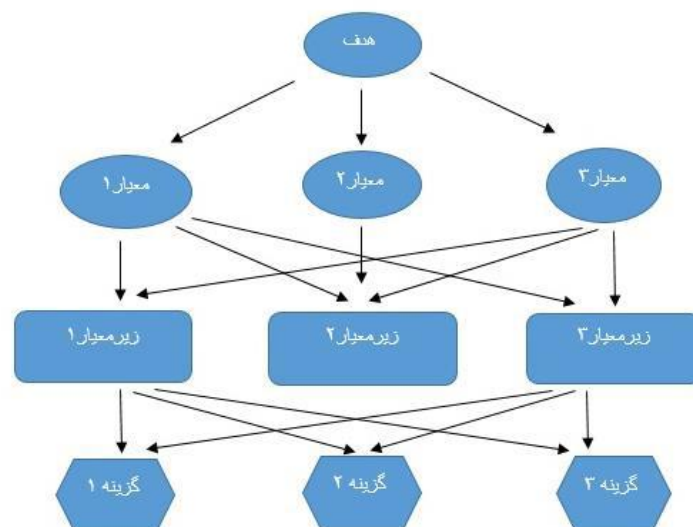
ارزش ترجیحی	وضعیت مقایسه i نسبت به j	توضیح
۱	اهمیت برابر (عدم ترجیح)	شاخص i نسبت به j اهمیت یکسانی دارد
۳	به نسبت مهم تر	شاخص i نسبت به j کمی مهم تر است
۵	مهم تر	شاخص i نسبت به j مهم تر است
۷	خیلی مهم تر	شاخص i نسبت به j خیلی مهم تر است
۹	بی نهایت مهم تر	شاخص i نسبت به j فوق العاده مهم تر است، به طوری که مقایسه پذیر نیست
۸، ۴، ۶، ۲	برتری بینابینی	ارزش میانی بین ارزش های ترجیحی ران شان می دهد. مثلاً ۸ بیانگر اهمیتی زیادتر از ۷ برای i است؛ اما نه در حدی که اصلاً با j مقایسه پذیر نباشد.

۲-۵. مراحل فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی

برای استفاده از این فرایند و نرم‌افزار مربوط، مراحل در نظر گرفته شده است که طی آن می‌توان یک پدیده خارجی را به صورت یک شمای سلسله‌مراتبی درآورد. این مراحل به صورت کلی، شامل ایجاد سلسله‌مراتب، ایجاد ارتباط بین عناصر، مقایسه‌های زوجی، تعیین وزن و تشخیص سازگاری قضاوت‌هاست.

۲-۶. طراحی سلسله‌مراتب

یک مدل سلسله‌مراتبی در اصل نمایشی گرافیکی از مسئله‌ای پیچیده است؛ که در رأس آن هدف کلی مسئله و در سطوح بعدی، معیارها و گزینه‌ها قرار دارند، هرچند قاعده‌ای ثابت و قطعی برای رسم سلسله‌مراتب وجود ندارد؛ اما هر مدل ممکن است به یکی از دو صورت (هدف، معیارها، عوامل، زیرعوامل، گزینه‌ها) باشد. در شکل ۲ شمایی از یک مدل سلسله‌مراتبی در شکل زیر نشان داده شده است.



شکل ۲. ساختار سلسله‌مراتبی

برای ساخت یک سلسله‌مراتب ابتدا باید مسئله تصمیم به صورت دقیق تعریف، حدود آن مشخص و دانش‌ها یا اطلاعات مربوط به آن شناسایی شود. در گام بعدی باید هدف را تا جای ممکن به کلی‌ترین و کنترل‌پذیرترین عوامل تجزیه کرد، یعنی تا حدی که همه عناصر دخیل کاملاً مشخص شدند. سپس باید گزینه‌های ممکن شناسایی شده و از میان همه عناصر (معیارهای) شناسایی شده، عناصر هم‌سطح مشخص و دسته‌بندی شوند. تعیین سطوح از بالاترین سطح به پایین‌ترین سطح باید به گونه‌ای انجام گیرد که در هر سطح، مقایسه زوجی انجام‌پذیر باشد؛ به گونه‌ای که اهمیت یک عنصر نسبت به عنصر دیگر صفر یا بی‌نهایت نباشد.

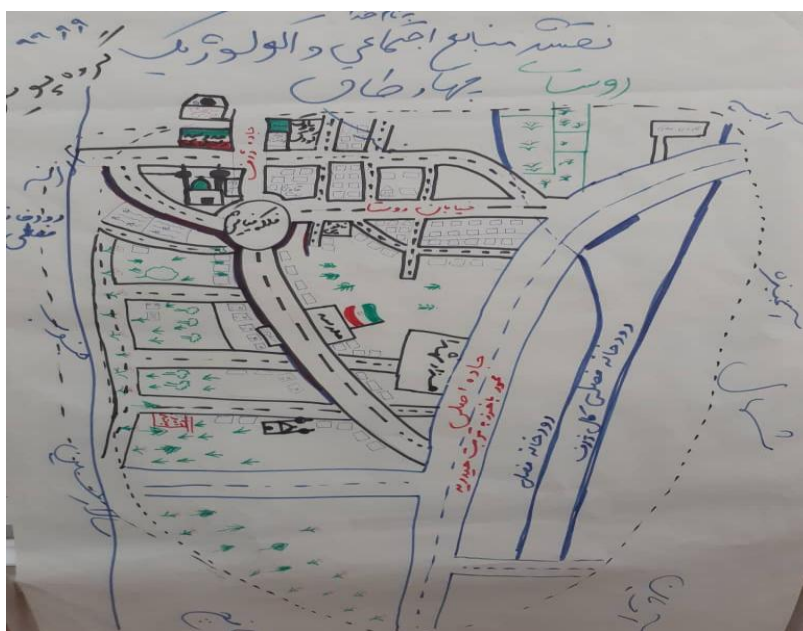
۳. یافته‌های پژوهش

برگزاری کارگاه‌های مشارکتی نیازسنجی به صورت زیر است:

۳-۱. ترسیم نقشه منابع اجتماعی - اکولوژیک^۱

برای ترسیم نقشه اجتماعی، در جلسه‌هایی با حضور کارشناسان و افراد مطلع روستا از افراد خواسته شد که ابتدا موقعیت محلی روستای خود را چه داخل روستا و چه اراضی و راه‌های بیرون روستا، ترسیم و پس از آن اماکن و اراضی موجود در روستا را

مشخص کنند. روستاییان با مشارکت یکدیگر محل استقرار خانواده‌ها، نحوه بهره‌برداری از اراضی، وضعیت آب‌های روستا، راه‌های خاکی و همچنین محدوده اراضی ملی را مشخص کردند (شکل ۳).



شکل ۳. ترسیم نقشه منابع اجتماعی-اکولوژیک روستای چهارطاق

۳-۲. گردش روستایی^۱

این شیوه برای جمع‌آوری اطلاعات در زمینه کاربری‌ها و پوشش اراضی و فرصت‌ها و موانع موجود درباره هر یک از منابع روستا که در مرحله پیش ترسیم شده بود به کار رفت. طی روستاگردی به همراه تعدادی از اهالی، محدودیت‌ها و ظرفیت‌ها از جمله قنوات و مراتع و نهالستان بید قرمز هدفمندانه بررسی شد. همچنین از کارهایی که به عنوان طرح‌های آب‌خیزداری انجام گرفته بود، بازدید و دیدگاه‌های افراد روستا در این زمینه سنجیده شد. پیشنهادهای مستقیم ایشان برای رفع مشکل‌های اصلی روستا نیز دریافت و یادداشت شد (شکل ۴).



شکل ۴. گردش روستایی روستای چارطاق

۳-۳. استخراج برنامه روزمره فصلی^۱

در کارگاه چهارم به منظور بررسی زمان‌بندی فعالیت‌های اهالی روستا در ساعت‌های مختلف روز، جلسه‌ای برای توجیه و آگاه‌سازی مردم از مزایای این کار برگزار شد. سپس هر گروه از مردان و زنان با رسم زمان ۲۴ ساعته، فعالیت‌های خود را در ۲۴ ساعت به تفکیک سن و فصول کاری مشخص کردند و در نمودار دیگری نیز فعالیت‌هایی را ترسیم کردند که در یک سال به تفکیک چهار فصل در روستا رایج است (شکل ۵).



شکل ۵. استخراج برنامه روزمره روستای چارطاق

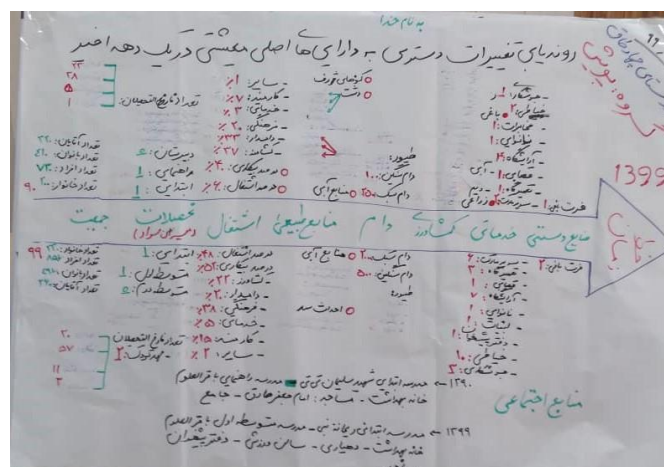
۳-۴. بررسی روند تغییرها^۲

برای کسب اطلاع درباره تاریخ طبیعی روستا در سال‌های اخیر، پرسشنامه‌هایی تهیه شد که در آنها چند دامنه زمانی در نظر گرفته شده بود و از هر گروه از شرکت‌کنندگان خواسته شد که درباره وضعیت روستا از نظر موضوعات مهمی مانند توسعه روستا از منظر زیرساخت‌ها، وضعیت آب و قنات، مراتع، جمعیت، فعالیت‌های کشاورزی و دامداری و باغداری، از قدیمی‌ترین تاریخی که از روستای خود به یاد دارند تا جدیدترین رویداد بیندیشند و سپس با مشارکت و همفکری اعضای گروه، سیر تاریخی روستا را در زمینه هر یک از آنها روایت کنند. در نهایت با گفت‌وگو در گروه‌ها، پرسشنامه‌ها تکمیل شد. در پایان، این مباحث جمع‌بندی و روند تغییر وضعیت روستا در چند دوره مشخص شد (شکل‌های ۶ و ۷).



شکل ۶. بررسی روند تغییرهای روستای بررسی‌شده

1. Daily routine/schedule
2. Problem tree or cause-effect analysis



شکل ۷. بررسی روند تغییرات روستای بررسی شده

۳-۵. ترسیم درخت مشکلات^۱

پس از تعیین فهرستی از مشکلات روستا و اولویت‌بندی آنها، مهم‌ترین مشکلات روستا مشخص شد. سپس از شرکت‌کنندگان خواسته شد که با همکاری، مشکلات را به صورت درختی ترسیم کنند. این روش به دلیل سلسله‌مراتبی بودن کمک می‌کند که علت اصلی مشکلات یافت و راه‌حل‌های مناسبی برای آنها ارائه شود. از این رو از شرکت‌کنندگان انتظار می‌رود که با توجه به اولویت هر یک از مشکلات، به صورت جدی و با تمرکز بیشتری درباره راه‌حل‌های مناسب فکر کنند. آنها همچنین باید به دقت به پیامدهای هر مشکل توجه کنند و در نظر داشته باشند که راه‌حل‌های ارائه شده باید برای حل تمامی پیامدها و علل مربوط به هر مشکل مناسب باشند و در نهایت زندگی بهتری برای روستاییان فراهم آورند (شکل ۸).



شکل ۸. ترسیم درخت مشکلات در روستای چارطاق در گروه مردان و زنان

۳-۶. اولویت‌بندی مشکلات و نیازها

برای اولویت‌بندی مشکلات و نیازهای یک روستا با در نظر گرفتن موانع توسعه آن از ماتریس مقایسه‌های زوجی استفاده شد. بهترین راه برای این کار این است که تحلیلگران با گروه‌های مختلف در روستا به صورت جمعی برای بحث درباره مشکلات و نیازهای روستا گرد هم آیند. به این ترتیب تحلیلگران می‌توانند اطلاعاتی از ساکنان، فعالان محلی و مسئولان محلی را جمع‌آوری و مشکلات و نیازهای اصلی روستا را شناسایی کنند. همچنین با در نظر گرفتن موانع توسعه، گروه می‌تواند بهترین

1. Problem tree or cause effect analysis

راه‌حل‌های قابل اجرا برای رفع مشکلات و نیازهای روستا را پیشنهاد کنند. به این ترتیب می‌توان برای اولویت‌بندی مشکلات و نیازهای روستا به یک روش ساختارمند و کامل دست یافت (شکل ۹).



شکل ۹. برگزاری کارگاه‌های اولویت‌بندی مشکل‌ها و نیازهای روستای چارطاق

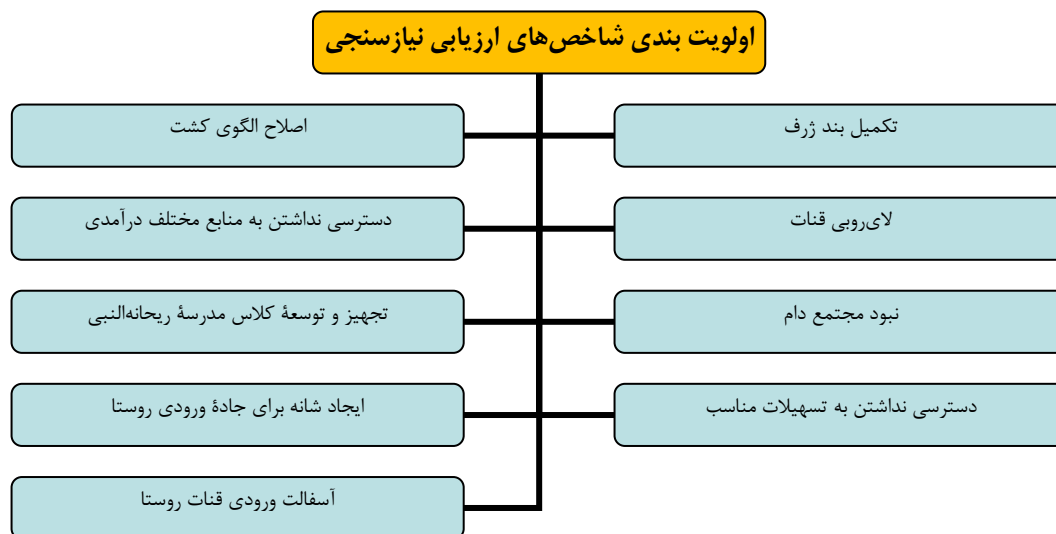
با توجه به مشکلات مختلف روستا، آموزش AHP برای روستاییان می‌تواند گامی مؤثر در راستای حل مشکلات باشد. با استفاده از روش AHP، روستاییان می‌توانند نیازهای خود را با اولویت‌بندی مناسب مشخص کنند و در نتیجه اقداماتی را برای حل مشکلات و رفع نیازهایشان انجام دهند. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از جدول‌های ۲ و ۳، دستیابی آسان به منابع مالی و سازوکارهای مناسب برای پاسخگویی دقیق به‌منظور راه‌اندازی کسب‌وکار در روستا از دیدگاه مردان و زنان به‌عنوان مهم‌ترین نیازها مشخص شده است؛ بنابراین در اولین فرصت، برای حل مشکلات مرتبط با سهولت در دستیابی به منابع مالی و ایجاد سازوکارهای مناسب به‌منظور پاسخگویی دقیق جهت راه‌اندازی کسب‌وکار در روستا، اقداماتی باید انجام گیرد. مسئله نبود آموزش و مهارت کارآفرینی نیز از دیگر نیازهای دیگر در نظر گرفته شد. بدین منظور، پس از آموزش AHP به روستاییان، آنها می‌توانند این مشکلات را با استفاده از این روش اولویت‌بندی کنند و اقداماتی برای حل آنها انجام دهند.

جدول ۲. نیازسنجی مشارکتی مردان روستای باخرز بر مبنای اولویت‌بندی و بیشترین تقاضا

ردیف	نیازسنجی مشارکتی	اهمیت
۱	تکمیل بند ژرف	۱۰
۲	اصلاح الگوی کشت	۹
۳	لای‌روبی قنات	۹
۴	دسترسی نداشتن به منابع مختلف درآمدی	۸
۵	نبود مجتمع دام	۷
۶	تجهیز و توسعه کلاس مدرسه ریحانه‌النبی	۶
۷	دسترسی نداشتن به تسهیلات مناسب	۵
۸	ایجاد شانه برای جاده ورودی روستا	۳
۹	آسفالت ورودی قنات روستا	۲

جدول ۳. نیازسنجی مشارکتی زنان روستای باخرز بر مبنای اولویت‌بندی و بیشترین تقاضا

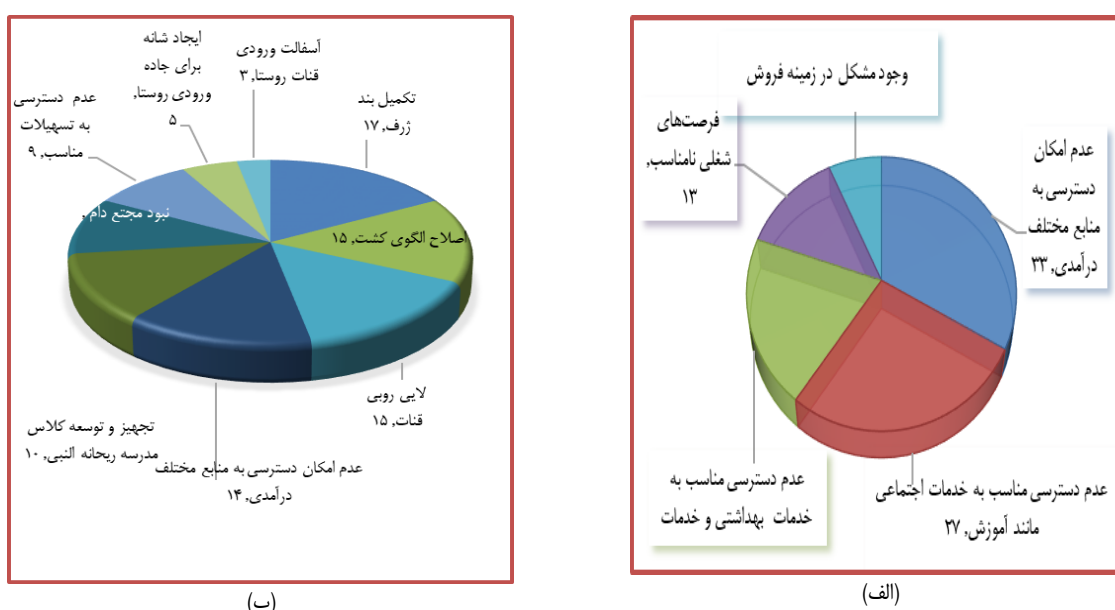
ردیف	نیازسنجی مشارکتی	اهمیت
۱	دسترسی نداشتن به منابع مختلف درآمدی	۵
۲	نبود دسترسی مناسب به خدمات اجتماعی مانند آموزش	۴
۳	نبود دسترسی مناسب به خدمات بهداشتی و خدمات پزشکی	۳
۴	فرصت‌های شغلی نامناسب	۲
۵	مشکل در زمینه فروش محصولات و نبود بازار فروش	۱



شکل ۱۰. ساختار سلسله مراتبی اولویت بندی شاخص های ارزیابی نیازسنجی

در زمینه بررسی بینش ها و دیدگاه های گروه های روستایی تشکیل یافته به منظور کمک به بهبود وضعیت و حل مشکلات معرفی شده، گروه کارشناسان میزان دقت اعداد پر شده در جدول ها را بررسی کردند. با توجه به حجم نتایج به دست آمده از هر گروه در چند جدول، فقط جدول های مربوط به گروه مردان و زنان کل روستا، به عنوان نمونه در جدول های ۲ و ۳ آورده شده است. این نیازها در شکل ۱۰ به صورت زیرشاخه معیارها در AHP نشان داده شده است. شکل ۱۱ که از روش AHP به دست آمده است، اولویت مشکل ها را به درصد نشان می دهد.

در اجرای این پروژه، گروه تسهیلگر با حضور مداوم در روستای باخرز و نیز ارائه آموزش های لازم به هر یک از گروه ها، نیازسنجی مشارکتی را به سرگروه ها و اعضای آن آموزش داده و اولویت بندی را به صورت AHP انجام دادند. با استفاده از اعداد ماتریس، مقایسه های زوجی گروه های مردان و زنان روستایی به دست آمده از نتایج کارگاه نیازسنجی وارد نرم افزار Expert Choice و اولویت هر یک از نیازها مشخص شد. همانطور که شکل ۱۱ ماتریس نیازسنجی مردان و زنان روستای باخرز را نشان می دهد، نه نیاز در بخش مردان و پنج نیاز در بخش زنان وجود دارد که بیشترین تأثیر را از نظر اجتماعی - اقتصادی و همچنین روان شناختی بر معیشت آنها داشته است.



شکل ۱۱. نیازسنجی مشارکتی (الف) زنان و (ب) مردان روستای چارطاق

۴. بحث و نتیجه‌گیری

مناطق روستایی ایران و بخش کشاورزی به‌علت چالش‌های مختلفی همچون تغییرات آب‌وهوایی و خشکسالی‌های شدیدتر و با تکرار بیشتر، بحران آب، مهاجرت روستایی و کاهش جمعیت روستایی، فشارهای محیط زیستی به‌علت استفاده ناکارآمد از نهاده‌های شیمیایی و بازده کم کشاورزی متداول با بحران و ناپایداری روبه‌رو هستند (یزدان‌پناه، ۲۰۱۸). در این زمینه تحقیقات متعددی نشان داده‌اند که جامعه روستایی و کشاورزی ایران با چالش‌های اقتصادی و محیط زیستی و اجتماعی از قبیل بیکاری، ستیزه‌های اجتماعی، امتناع از تعهدات مالی، چالش‌های خانوادگی، امنیت، کیفیت زندگی، آموزش و پرورش، سلامت و تندرستی مواجه‌اند. بر این اساس پژوهش حاضر با هدف نیازسنجی مشارکتی در راستای مدیریت اجتماع‌محور روستایی برحسب رویکرد حکمرانی انجام گرفت.

نیازسنجی مشارکتی مردان و زنان روستای چارطاق، نمونه یکی از نظام‌های هماهنگ به‌منظور توانمندسازی جوامع محلی در الگوی موفق ملی برای تعیین راهبردها و سیاست‌ها در بستر مدیریت اجتماع‌محور روستایی است. بر اساس، این الگو خط‌مشی سازمانی و نهادی، در فضای امنیت روانی در جوامع محلی شکل گرفته و زمینه‌ساز تصمیم‌های منطقه‌ای شده است، با تشخیص درست و به‌موقع نیازهای ذی‌نفعان محلی، افزون بر تصمیم‌سازی مناسب می‌توان تسهیلگر اجرای چشم‌انداز توسعه منطقه بود؛ این پروژه با تعیین دقیق نیازها به‌صورت کاملاً کمی و آموزش الگوی AHP در سطح جوامع محلی، توانست گامی فراتر از تصمیم‌های کارشناسان محلی بردارد و در سطحی خردتر، با آموزش پیشرفته به ذی‌نفعان در زمینه تعیین نیازها به‌صورت مشارکتی و ریاضی اقدام کند. نتایج نشان می‌دهد که مهیا کردن بستر توسعه اعتماد و همکاری روستاییان به‌گونه‌ای که افراد خود را دارای نقشی مهم در جامعه تصور کنند، سبب می‌شود که پروژه‌های نیازمند همکاری روستاییان در زمان کوتاه‌تر و با هزینه کمتری اتفاق افتد. همان‌گونه که نتایج پژوهش رحیمی و همکاران (۲۰۲۲) و علم‌بیگی و همکاران (۲۰۱۸) نشان داد، مشارکت جوامع محلی در همه جوانب، به‌ویژه تغییر در ساختارهای معیشتی رهیافتی است که از طریق کارگاه‌های مشارکتی استخراج می‌شود.

این پژوهش با تأکید بر این رهیافت می‌کوشد تا مشارکت همه‌جانبه روستاییان را از ابتدای تعیین نیازها و تصمیم‌گیری‌ها تا اجرایی کردن پروژه‌ها افزایش دهد. این امر بدین دلیل است که کارشناسان محلی هر چقدر هم که از نظر روابط اجتماعی و بحث‌های نظری قوی باشند، باز هم با تجربه فردی محلی که دانش بومی مختص همان منطقه را دارد برابری نمی‌کند. از این‌رو برای اتصال زنجیره کارشناسان با جوامع روستایی و انتقال دانش دوسویه از آنها به یکدیگر، حلقه گمشده مشارکت فعال روستاییان از تصمیم تا اجرا و حتی گامی فراتر از آن، یعنی تعیین نیازها و ارزیابی پروژه‌ها با کمک خود افراد بومی، می‌تواند موفقیت پروژه‌ها را تضمین کند که این موضوع در پژوهش حلاجیان و همکاران (۲۰۱۲) و پژوهان و همکاران (۲۰۱۵) نشان داده شده است. ارتباط با جوامع محلی به‌صورت تصمیم‌گیری جمعی، فرایندی است که می‌تواند تعیین خط‌مشی و سیاست‌گذاری را با تأکید بر جوامع محلی به ارمغان آورد؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود که در هر پروژه، بستر مشارکت اجتماعی روستاییان فراهم شود؛ چراکه همدلی روستاییان با پروژه اجرایی، دلسوزی برای به سرانجام رسیدن اهداف پروژه را در بر خواهد داشت و این دلسوزی در مقایسه با احساس مسئولیت، گامی فراتر و محرکی درونی و متضمن اهداف مدیریتی است.

از سوی دیگر برگزاری کارگاه‌های مشارکتی به‌منظور تعیین نیازها می‌تواند حضور فعال جوامع روستایی را در تصمیم‌گیری‌ها افزایش دهد. تعیین نیازها و آموزش مفهوم AHP به روستاییان و ایجاد ادبیاتی که پل ارتباطی بین جوامع محلی و کارشناسان باشد، کاری بسیار دشوار است، اما ایجاد زبان مشترک سبب سهولت در پیشبرد اهداف سازمانی می‌شود. همچنین رضایت خاطر و اعتماد روستاییان در برابر درک و فهم درست کارشناسان از نیازمندی‌های آنان، جنبه دیگری از تشویق الگوهای مشارکتی است. اینکه افراد تا چه میزان از سطوح سازگاری را کسب می‌کنند و با شرایط جدید محیطی و طبیعی تطبیق می‌یابند، به شناخت محیط طبیعی خود روستاییان و مشارکت فعال نیاز دارد.

پیشنهادهای

مطابق با نتایج پژوهش پیشنهادهای زیر مطرح می‌شود:

۱. بهبود وضعیت ارتباطات بین فردی روستاییان باخرز با هدف هم‌افزایی و سازگاری ارتباطات؛
۲. ارائه برنامه‌ها و آموزش‌های مستمر با هدف افزایش آگاهی و دانش و مهارت روستاییان باخرز؛
۳. برندسازی و ایجاد موقعیت‌های برتر برای واحدهای کسب‌وکار روستایی به‌منظور تحقق درآمد جوامع محلی که خدمات کاری و سکونتی ارائه می‌دهند؛
۴. توجه و برنامه‌ریزی در خصوص کسب درآمد از راه‌های مختلف (ایجاد تنوع درآمدی)؛
۵. استقرار موفقیت‌آمیز نظام رفع مشکلات و کمبودها در زمینه توسعه روستایی باخرز؛
۶. فرهنگ‌سازی و تبیین نظام مدیریت مشارکتی برای جوامع محلی باخرز؛
۷. برگزاری جلسه‌های برنامه‌ریزی‌شده با هدف تحقق نظام مدیریت مشارکتی و کنترل وضعیت موجود و مقایسه آن با وضعیت مطلوب؛
۸. تلقی کردن مشارکت روستاییان باخرز در نظام مدیریت مشارکتی به‌عنوان فعالیت داوطلبانه و تشویق به شرکت در این فعالیت؛
۹. تقویت مهارت‌های روستاییان و به‌خصوص زنان روستایی باخرز با استفاده از کارگاه‌های آموزشی و حضور مربی؛
۱۰. شناسایی و معرفی افراد موفق کارآفرین و بهره‌گیری از تجارب آنان در راستای تقویت و توسعه کسب‌وکارهای روستایی باخرز؛
۱۱. ایجاد مراکز آموزشی تلفیقی به‌منظور ارائه خدمات آموزش و مشاوره‌ای در راستای حل مسائل مشکلات روستاییان باخرز.

تشکر و قدردانی

این مقاله بخشی از طرح آبادانی و پیشرفت منظومه روستایی شهرستان باخرز است که اعتبار آن را بنیاد مسکن انقلاب اسلامی تأمین کرده و با همکاری پژوهشکده سوانح طبیعی انجام گرفته است.

References

- Abelshausen, B., Vanwing, T., Donder, L., Buffel, T. and Backer, F. (2014). Stakeholder Participation and Knowledge Sharing in Integrated. Coastal Zone Management in Vietnam. *Journal of Procardia - Social and Behavioral Sciences*, 116, 1792 – 1796.
- Ahlström H, Cornell SE. (2018). Governance, polycentricity and the global nitrogen and phosphorus cycles. *Environmental Science & Policy*, 79 (1): 54–65.
- Alambaigi, A., jalilian, S., & latifi, S. (2018). Effect of entrepreneurship characteristics on rural youths' attitude and intention toward self-employment (Case study villages of West Islamabad County). *Iranian Journal of Agricultural Economics and Development Research*, 48(4), 681-691. doi: 10.22059/ijaedr.2018.65241 (In Persian)
- Avazpour, L., Ghorbani, M., Naderi, A., Fakhar Izadi, N., Azadi, H (2024). Dryland co-management in Kerman province, Iran: a dynamic analysis of social networks, *Environment, Development and Sustainability*, <https://doi.org/10.1007/s10668-023-04346-y>.
- Azami, A. & Rezaei, R. (2017). Study of People's Attitude to Dehyriha Function from Creation to Today Case study Mirbag County: Delfan District-Lorestan Province. *Geography and human Relationships*, 1(2), 154- 166. (In Persian)
- Ajza Shokohi, M., & Hosseini, S. M. (2017). Estimation and Evaluation of Sustainability neighborhood in the City of Tehran, Case study: Valiasr shomali Neighborhoods, Ashtiani, Niloufar and Imamiye. *Human Geography Research*, 49(2), 341-356. (In Persian)
- Asadollahi, M. A., Ebrahimi, M., Ghiaci, P., & Feizi, A. (2022). Improving ethanol production and tolerance in *Saccharomyces cerevisiae* through evolutionary engineering strategy using 1-butanol stress. *Cellular and Molecular Research (Iranian Journal of Biology)*, 35(3), 379-392. (In Persian)
- Ben-Menahem, S. M., Kwee, Z., Volberda, H. W., & Van Den Bosch, F. A. J. (2012). Strategic renewal over time: the enabling role of potential absorptive capacity in aligning internal and external rates of change. *Long Range Planning*, 46(3), 216-235.
- Bodin, Ö. & Crona, B. I. (2009). The role of social networks in natural resource governance: What relational patterns make a difference, *Global Environmental Change*, 19 (3), 366-374.
- Bodin, Ö. & Prell, C. (2011). *Social network in natural resources management*, United Kingdom: Cambridge University Press.
- Boyd, J., & Banzhaf, S. (2017). What are ecosystem services? The need for standardized environmental accounting units. *Ecological economics*, 63(2-3), 616-626.
- Cárcamo, F., Flühmann, R. & Gaymer, F. (2014). Collaboration and knowledge networks in coastal resources management: How critical stakeholders interact for multiple-use marine protected area implementation. *Journal of Ocean & Coastal Management*, 91, 5-16.
- Carlsson, L. & Sandström, A. (2008). Network governance of the commons. *International Journal of the Commons* 2(1), 33–54.
- Chambers, Robert (2003), *Reflection on P.R.A. Experiences, Pathway to Participation*. Sussex: I.D. S.
- Delgado, X., Izquierdo, J., Benítez, J. & Pérez, R. (2014). Joint stakeholder decision-making on the management of the SilaoeRomita aquifer using AHP. *Journal of Environmental Modelling and Software*, 51, 310-322.
- Dalal-Clayton, B., & Bass, S. (2007). *Monitoring and Reviewing National Sustainable Development Strategies*.
- Erickson, M., Cutts, T.A., Larson, B.B., Darby, E.K., Neff, K.J., M., Wutich, A., & Bolin, B. (2010). Spanning Boundaries in an Arizona Watershed Partnership: Information networks as tools for entrenchment or ties for collaboration? *Journal of Ecology and Society*, 15(3), 22.
- Ghorbani, M., Avazpour, L., & Khorasani, M.A (2015). Analysis and Assessment of “Social Capital in Small Development Networks” towards local sustainable Development (Case study: International RFLDL project - Sarayan Township, South Khorasan, Iran), *Journal of Rural Research*, 6(3), 545-566. 10.22059/JRUR.2015.56060 (In Persian)
- Ghorbani, M., Hajalizadeh, A., & Heydarvand, M. (2019). An Evaluation of the Impacts of Empowerment and the Moderating Role of Self-Efficacy on the Desire to Establish Sustainable Rural Businesses. *Journal of Rural Research*, 10(3), 438-451. doi: 10.22059/jrur.2019.278686.1349 (In Persian)
- Ghorbani, M., Bouzerjamhari, K., Avazpour, L., & Mansuri, Z (2017). The Efficacy of Community-Based Management Approach toward Strengthening Bridging Social Capital and Reducing Social Exclusion (Case Study: Rigan County, Kerman Province), *Journal of Research and Rural Planning*, 6(2), 157-169. doi: 10.22067/JRRP.V6I2.58795. (In Persian)
- Rahimi, M., Ghorbani, M., & Azadi, H. (2022). Structural characteristics of governmental and non-governmental institutions network: case of water governance system in Kor River basin in Iran. *Environment, Development and Sustainability*, 25(7), 7029-7045. (In Persian)

- Halajian, E., Sorayaei, A., & Hoseinzade Ahmadi, F. (2012). Studying affecting factors on empowerment of Islamic Azad University staff of Mazandaran province with AHP (Persian). *Journal of Industrial Strategic Management*, 9, 113-28. (In Persian)
- Hanneman, R. (2001). *Introduction to Social Network Methods*. California: University of California, Riverside.
- Jalilian, S., & Alambaigi, A. (2022). Exploring of Organizational Transformation Components towards Implementation of Information System in Fisheries Organization. *Iranian Agricultural Extension and Education Journal*, 18(2), 19-35.
- Jalilian, S., Alambeigi, A., hejazi, Y., rezvanfar, A., & Rezaei, A. (2021). Content analysis of change organization toward confirmed Information System in Iranian Fisheries organization. *Iranian Journal of Agricultural Economics and Development Research*. doi: 10.22059/ijaedr.2020.305198.668920 (In Persian)
- Jalilian, S., & saadi, H. (2016). The Role of Rural Women's Home Business and Empowerment on Family Economic Decision-making (Case study: Islam-Abad Gharb County). *Regional Planning*, 6(21), 129-142. (In Persian)
- Kheshtabeh, R., Akbari, Kolahi, M., Kolahi, M., & Kheshtabeh, R. (2018). Participatory needs assessment for prioritizing indicators of sustainable development of rural communities using hierarchical analysis, 4th International Conference on Research in Science and Engineering, <https://civilica.com/doc/936247>
- Kim, S. E., & Lee, J. W. (2010). Impact of competing accountability requirements on perceived work performance. *The American Review of Public Administration*, 40, 100-118.
- Leeuwis, C., & Van den Ban, A.W. (2004). *Communication for rural innovation: Rethinking agricultural extension*. Oxford: Blackwell Science.
- Mousavi H. (2017). The role of social capital in improving the adaptation capacity of local stakeholders in the face of declining groundwater aquifers. MSc Thesis, Faculty of Natural Resources, University of Tehran. 236 p. (In Persian).
- Pahl-Wostl, C., Sendzimir, J., Jeffrey, P., Aerts, J., Berkamp, G., & Cross, K. (2007). Managing change toward adaptive water management through social learning. *Ecol.Soc.* 12(2), 30.
- Pazhoohan, M., Fathi, H., & Ghasemzade, B. (2015). Application of participatory rural appraisal method in informal urban settlements planning (Case study: Settlements Islamabad, District 2 of Tehran) (Persian). *Journal of Social Studies and Researches in Iran*, 4(1), 93-118. (In Persian)
- Putnam, R. D. (2001). *Bowling alone: The collapse and revival of American community*. New York: Simon and Schuster.
- Rahimi, M., Ghorbani, M., Malekian, A., & Alambaigi, A. (2022). Analysis of Institution-Stakeholder Relations for the Nested Water Governance in Downstream of the Kor River Basin. *Watershed Management Research Journal*, 35(1), 61-72. doi: 10.22092/wmrj.2021.353840.1394 (In Persian)
- Rahimi, M., Ghorbani, M., & Azadi, H. (2023). Structural characteristics of governmental and non-governmental institutions network: case of water governance system in Kor River basin in Iran. *Environment, Development and Sustainability*, 25(7), 7029-7045.
- Rezaei, A., Hosseini, S. M., & Asadi, A. (2015). Analysis of Information Exchange Network among Organizations for Sustainable Management of Natural Resources (Study case: Alborz Watershed in Mazandaran province). *Journal of Range and Watershed Management*, 68(1), 65-79. doi: 10.22059/jrwm.2015.53883. (In Persian)
- Saadi, S., & Rezvani, M. R. (2017). Spatial Analysis of Rural Floating Population Employed in Urban Areas. *Journal of Rural Research*, 8(4), 621-634. (In Persian)
- Saaty, T. L. (1990). *Decision making for leaders: The analytic hierarchy process for decisions in a complex world*. Pittsburgh: RWS publications.
- Saaty, T. L. (1996). *The analytic network process*. Pittsburgh: RWS Publication.
- Sandstorm, A., & Rova, C. (2010). Adaptive co-management networks: A comparative analysis of two fishery conservation areas in Sweden. *Ecology and Society*, 15(3), 14.
- Shahandeh, Kh, Fateme, R., Ansieh, J., Majdzadeh, S.R., Aghajani, M., & Magdzadeh, B. (2011). A cross-sectional evaluation of neighborhood-based collaborative needs assessment results in Tehran's 17th district: three years after the intervention. *Hakim Health System Research*, 14(4), 226-219. (In Persian)
- Shams, A., Vedadi, E., & Ahmadi, Z. (2015). Study of Farmers' Attitude towards Sustainable Agriculture and Its Relation with Their Chemical Input Use in Asadabad Township. *Iranian Agricultural Extension and Education Journal*, 11(1), 197-210. (In Persian)
- Sheikhi, S., Fereshte, H., & Farah, H. (2022). Developing a conceptual and evaluation model of low carbon cities. *Environmental Science and Technology*, 24(8), 75-61.
- Stein C, Ernstson H, & Barron J. (2011). a social network approach to analyzing water governance: The case of the Mkindo catchment, Tanzania. *Physics and Chemistry of the earth*, parts A/B/C, 36(14-15): 1085-1092.
- Yaghoubi Farani A, & Jalilian S. (2015) Social and Economic Consequences of Domestic Occupations of Rural Women in the County of West Islam-Abad. *Space Economy & Rural Developement*, 4 (12), 93-113 (In Persian)

Yazdanpanah, M. (2018). Multifunctional Agriculture Paradigm; Rural Tourism, a key to sustainable employment development in rural areas, *Journal of Studies in Entrepreneurship and Sustainable Agricultural Development*, 5(1), 17-29. doi: 10.22069/jead.2018.14904.1328 (In Persian)